

تفاوت بین تالیف منزل و قالب قصیده :

۱- در منزل تعداد ابیات بین پنج تا هفتاد بیت است اما در قصیده از هفتاد تا بیست و پنج بیت است .

۲- درون مایه‌ی منزل بیشتر عارفانه و عارفانه است در حالی که در قصیده بیشتر توصیف طبیعت و یا

توصیف صنایع خداوند دیده می‌شود .

معنی کلمات درس ۵

خبرانه : دانسته

زرف : همیچی

ندش : عقیده نظر

تباهی : نابودی

طعن : سرزنش

لعن : نفرین

هجو : سرزنش کردن کسی - وسیله

رهنموده : راهنمایی دست

معنی کلمات درس ۶

تپینه : بی قرار

صیباله : رشته کدو

آوند : رشته (درایاره)

تراز کوه : کوه ارزنده

همتا : مانند نظیر

مران مایه : با ارزشی

صاح و صادر

پرورندگی : پرورش دادن

همزیستی : بدوی وصل زنده در کتر ص

بانگ مان : سالکان

زادو بودو : کنایه از حسرت و غم

یلانی : بی سرحد بودی

دختر: **جود و صورت** رنگ و رویه: **اصالت** آبخوره: **سرچشمه**

مادر و در: **سرمد** فراختای: **گندگی** نمزیدگان: **فرزندگان کوچک**

کار تدعی: **سیر** جلی: **تبییه** مادر که بفرزندش سیر شده جان فغان جان و اندک کردن

دوسه: **دوطه** گزند: **آسیب** بخوئی: **از خود بی خود شدن**

ب لکب و جا آری بدون خبر جان کو یون: **سفت تلاکاران** خاشی خویان: **دشمنان**

صبر و مامد: **سرمه** خورید مامد صرکوط: **ظالمین** خورید وطن گمردن صنت: **کتاب از قدرت و تدابیر**

جت: **بسته** فستردن تن را سپردن: **دناج با تمام وجود**

۱- از خداوند آفرینندهی جهان کسی که آگاه از همه اشکار و پنهان است می خواصم که تدر الزهر بدی و

سری درایان **نیل** دره و همواره نام نیک و خوشگامی با تو یار باشد. (تفاد اشکار دهنان - بخاشی: **جمله دهنان**)

دستی طلب: **نیل نامی** - تفاد: **نیل و بد** - صوفد البعانی

اطلیت: **جهت** یا ندری که دارای صذهب خامی هست و تعدادشان در جامعه کم است

سوق **انیز**: **خرمطلک** بلند: **پرا ارتفاع** به لادیه: **بیدارمه** ساخته **نیل**

آوردگاه: **صیدان جلد** اهریبی خویان: **شیطان صفتان** به هر روی: **در هر صورت**

درخت
کتاب
مطالعه

پرسیده اند: پرورش یافته اند
الکترون دهان بود: کما از تنبیه
همچو کرم هم نهی ناخدا

۲- نهیانی در سر صبح ایران اناضتکه من است و تمام جهان زیر است و مطیع من هستند؟

[مطیع: فرما می بردارم]

۳- همی مردم ایران صفت و خداشناس هسته و چنان نیک و خوبی دارند که از پندی ها ترس ندارند.

(تقوا: نیک و بدی)

۴- صفت است که ایران خراب و نابود شود و ولادت حیوانات و مشهور دشمنان نبود. (جناس: ویران می شود ایران)

مراعات منتهیه: پلنگان ریزان و گام - نام آرای: (کلام: لانه)

۵- اگر فرار است ایران نابود شود از خداوند به خواست که من جمع نیستم و اجبند و هیچ کس در میان

منتهیه زند - نماند. (جناس: تن و من - نام آرای: من - کلام: من - جناس: برود - ملک: جمع مراعات)

۶- اگر در میان در راه حفظ صیقل است که سویم بهتر از آن است که شو طاعت نام دست دشمن به ما رسید

آیند ها را بریم. (جناس: نام: به)

صفتی شعر "دواندیشی" ص ۶۸

- ۱- کفّی از خاندان انسان های اصلی و حیوانات با دو - بعد از هم سن و سال طایفه برای از کردن میروند و رفتن
(آزادمان: جوانان - همزمان: هم سن و سال) (بوس: بیرون)
- ۲- و مگر آن پر بوی شروع به حرکت و دهنش که با سر به زمین خورد [بوی: با کف بر رفتن]
(بوی در راه نهادن: کف از حرکت کردن - به صد آمدن: کف از زمین خوردن - تاب: پاوس - جانی: پیوس)
- ۳- به خاطر عجله ای که کرد پایش سر خورد، قلبی فروریخت و صبره کهرها هم گشت.
(با از دست دادن: کف از بی اختیار شدن - تاب: پاوس، دل - جانی: صبر، صبره)
- ۴- آن دو که کوه هم سن و سال او به خاطر ماده ای که برای پیر کردن برایشان گند و سالکان و دست از حال آن
کوه دل شد. (گند شدن نفس: کف از مضطرب و پریان شدن - گند تر نختن: جانی: سال و حال)
- ۵- در پی هم راهش کسی دستش بود، گفت باید او را در ته چاهی پنهان کنیم. [بوی چاه: ته چاه -
ورا: او را] (دوست تیر: نختن مای - چاهش: ^{بختل})
- ۶- تا اینکه این زمانند روز برای همه آشکار شود و تمام پهن بدوش سرسبز شود.
(واج آری: زمین - جانی: روز، روز - کب: روز، روز)

۷- یکی از بچه های که دستش آن کودک بود از همی آن ها آینه اندر بر بود. (افسندترین: صفت عالی)

۸- آن کودک یکی خودش گفت در بین این دو تن و هر افعان حادثه مخفی نه مانند روزی آشکاره شود.

(هرهان: هم راهان - تکرار: این)

۹- چونکه از میان این بچه ها، ص را دستش او می دانند پس بقیه نیت به من بدلهای می گویند.

(زیر: ازین)

۱۰- به سوی پدر کودک آیب دید کرد و او را از جابرا آله کرد تا پدرش چاره ای برای آن کار بیند [زی: سو- طرف]

(تکرار: پدرش)

۱۱- حرکتی که در وجودش اصل و اساسی آفامی و هوئیاری باشد، توانایی انجام حرکاتی را دارد [جوهری: این]

(تغایب: دانایی، توانایی - جلی: در، بر)

۱۲- دستش دانایی که به فکر جان انسانی باشد از دوست نادان بهتر است.

(تضاد: دانایی - تضاد: دوست، دشمن - جانی: جان، آن)

معنی کلمات درس ۹

مناظره: بحث و گفتگو و دراز

لوح: رسیدن نیت تقصیر که سازد در روی آن بنویسد
مضمر: محل حضور

طنین: صدا حرفت و بی پر بار تر شدن تعلیم و دانش بیشتر شدن صمیمانت از شبیه بود

فراغت: هوسبندی فراجه لیرد می آورد طلب: حسابلد

گروه آصی: (ترکیب اضافی) نام: زیند بیجان: نقره ای

بی که ای: نام محمود در لجنه بر جود خود جای می دهی: در فکر و مغز با ارزشی خودت جای می دهی

رهو: نبرد و توان نعت او به شماره افتاد: کنایه از آخرین لحظات او

قصه: دانشمند دینی مقطع: بریده بریده تنها: خواصی

تعرض: اعتراف

رسد: واژه ای است که همان مصدر اصلی فعل را می رساند ولی تنها فرق بین فعل و مصدر

اینست که فعل بر زمان، شخص و شمار نیز دلالت می کند ولی در مصدر اینگونه نیست.